

تحلیلی بر شناخت محله در شهر ایرانی - اسلامی روند گذشته تاریخی تا امروز

مجید شمس ۱، فریبا سلیمانی ۲، صادق صیدبیگی ۳، فاطمه طاهری ۴

۱- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ملایر، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، ملایر، ایران fazelman362@yahoo.com

۲- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ملایر، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، ملایر، ایران f.soleimani1@yahoo.com

۳- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جغرافیا و برنامه ریزی شهری، تهران، ایران sadegh.s62@gmail.com

۴- دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه جغرافیا و اقلیم شهری، تهران، ایران fatemeh.taheri45@yahoo.com

چکیده

بخش های مسکونی شهرهای سنتی جهان اسلام و از آن جمله ایران را « محله » تشکیل می دهد که دارای، ساختاری خاص هستند مطالعه این بخش ها برای پژوهشگران شهری خالی از اهمیت نیست. این تحقیقات در سطح شهرهای بزرگ ایران و حتی جهان اسلام قابل تعمیم است؛ چه الگوهای مشترک و مشابهی بین شهرهای اسلامی وجود دارد.

روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش اسنادی و کتابخانه ای می باشد. مقاله مزبور نشان می دهد که در دوران اخیر پراکندگی عناصر شهری و فعالیت های عمومی و به عبارت دیگر تغییر الگوی ساختاری مراکز محلات اسلامی و بخش های عمومی شهر در سازمان مرکز شهر تحت ایجاد کرده است. کاربری های شهری که اغلب در نواحی محدود مرکز شهر در مراحل مختلف یافته بودند با رونق بازار و بخش خدمات، گسترش لجام گسیخته یافته اند. فقدان سیاست های صحیح توسعه و نابسامانی توزیع کاربری های شهری موجب از هم پاشیدگی و گسیختگی در ساختار کالبدی محلات سنتی با ساختاری اسلامی که دارای وحدت و یکپارچگی و پیوند مناسب بوده اند شده است.

کلید واژه ها: شهر اسلامی، محله، استخوان بندی شهر اسلامی، عناصر کالبدی .

۱. مقدمه

نحوه پراکندگی کاربری های مختلف شهری و یا عناصر شهری که خود باعث به وجود آوردن الگوهای خدماتی در دوره های مختلف شهری بوده است یکی از مهم ترین بخش مطالعات مربوط به کاربری زمین را تشکیل می دهد. ضرورت طرح موضوع تحلیلی بر شناخت محله در شهر ایرانی - اسلامی روند گذشته تاریخی تا امروز از دو نقطه نظر مطرح است. نخست آنکه بی توجهی به استخوان بندی شهر اسلامی و عناصر کالبدی محلات تاریخی با ارزش آن به ویژه در شهرهای کهن چه عواقبی را داشته است. در نهایت اینکه این تحول و دگرگونی عناصر کالبدی محلات الگوی مشخصی داشته یا خیر؟ گسترش روز افزون شهرهای تاریخی اسلامی ایران، اقدامات عاجل عمرانی را طلب می نماید و شهر ناگزیر از پذیرفتن تغییرات است. عدم شناخت و درک ساختار کالبدی محلات قدیم شهر و عدم تلاش در حفظ، احیاء و ساماندهی آن، موجب بروز لطمات فراوانی به ارزش های نهفته در شهر و الگوهای شهرسازی سنتی ایران گردیده است. تأثیر سوء برخی خیابان کشی های جدید را در متلاشی ساختن مجموعه ای با ارزش و کهن شهرها باید از آن جمله دانست. شروع دوران جدید در زندگی کالبدی شهرهای ایران بعد از سال ۱۳۰۰ منجر به از هم گسیختگی استخوان بندی قدیمی اکثر شهرهای ایران گردیده است. آگاهی و تسلط طراحان و سیاستگذاران، بر ساختار گذشته و حال شهرها امری ضروری است. چنین آگاهی علاوه بر اینکه به اقدامات عمرانی در شهرها جهت صحیح می دهد، می تواند این امکان را فراهم سازد که با ارزش نهادن به تجارب گذشتگان و حفظ آثار آنان برای تداوم حیات مجموعه های شهری و استخوان بندی اصلی شهرها راه های نوینی بررسی شود. بر اثر توسعه مداوم اما پراکنده و بی سازمان محلات شهری، الگوی سازمان فضایی شهرهای اسلامی و استخوان بندی اصلی محلات آن دگرگون گشته و مراکز آنها به طرف حواشی کشانیده شده است. به دنبال آن سازه های ارتباطی و ناپیدای شهر و زنجیره زندگی در شهر سنتی از هم گسیخته شده است. الگوی خدمات محله ای شهر اسلامی قدیم از دیدگاه تأمین نیازهای فعالیت های گوناگون اجتماعی و اقتصادی یا به عبارت دیگر چگونگی تکوین و تداوم حیات شهری قدیم با شهر جدید انطباق نیافته است. عناصر متشکله محلات شهری برای دوران طولانی نسبتاً ثابت بوده و در طی این تحولات، متعدد و منفصل شده و روابط آنها پیچیده تر شده است.

این اهداف نیز به نوبه خود به نقش ارتباطی بین الگوهای خدماتی تاریخی و جدید و تشخیص نیازهای خدماتی ساکنان و تا حدودی بررسی مشکلات اجتماعی ناشی از وجود فضاهای بایر... می پردازد. نتیجه این پژوهش می تواند گویای نقش کاربری های شهری در دوره های مختلف و الگوهای خدمات رسانی و نشان دادن سیر روند این تغییرات در شهر های تاریخی اسلامی باشد و دریچه ی تازه ای بین مطالعات برنامه ریزی شهری و جغرافیای کاربردی بگشاید.